

## درس اول

ستایش  
پیش از این‌ها

حکایت: به خدا چه بگویم؟

## تاریخ ادبیات

«ماه شرف خانم» فرزند ابوالحسن مستوره کردستانی، متولد ۱۲۲۰ قمری در شهر سنندج، شاعری است که به دو زبان فارسی و کردی شعر سروده است. او را نخستین زن تاریخ‌نویس کرد در ایران، شمرده‌اند. «دیوان شعر» و «تاریخ اردلان» از آثار اوست.	مستوره کردستانی (۱۲۶۴-۱۲۲۰ هـ. ق)
منظومهٔ مثنوی سعدی شیرازی است. این منظومه به ده باب تقسیم شده است. بوستان سعدی منظومه‌ای است اخلاقی، اجتماعی و عرفانی. این کتاب تاکنون به زبان‌های مختلف از جمله لاتینی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و ترکی ترجمه شده است.	بوستان سعدی (سعدی‌نامه)
سید احمد (درگذشت ۱۱۹۸ هـ. ق) از شاعران دورهٔ افشاریه و زندیه است. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کرد. «ترجیع‌بند» عرفانی وی نیز معروف است.	هاتف اصفهانی
استاد دانشگاه و شاعر معاصر، وی از شاعران موقّق پس از انقلاب به‌شمار می‌آید. از آثار او می‌توان «در کوچهٔ آفتاب، تنفس صبح، مثل چشمه مثل رود، به قول پرستو و آینه‌های ناگهان» را نام برد.	قیصر امین‌پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶ هـ. ش)
نوشتهٔ ابوالقاسم قشیری از عارفان قرن پنجم است. اصل این کتاب به زبان عربی است و یکی از شاگردان قشیری آن را به فارسی برگردانده است. موضوع این کتاب، معرفی برخی از بزرگان عارف و شرح اصطلاحات و الفاظ رایج میان آنهاست. این اثر با تصحیح و تعلیقات (آنچه بر حاشیهٔ کتاب بنویسند). استاد فروزانفر به چاپ رسیده است.	رسالهٔ قشیریه

## واژگان

الهیّت*، خدایی	خطاب‌بخش، بخشایندهٔ گناه، گناه‌بخش	ستایش
فرومانده، درمانده، عاجز، ناتوان	پوزش‌پذیر*، پذیرندهٔ پوزش	دفتر*، کتاب، مجموعهٔ شعر و نوشته، دیوان
کنه*، پایان و حقیقت چیزی، ذات	پرستار*، فرمانبردار، مطیع	دیوان، مجموعه اشعار یک شاعر، کتاب شعر
ماهیت*، حقیقت، ذات، چیستی	بنی‌آدم*، فرزندان آدم (ع)، انسان	طلعت*، درخشندگی
بشر، انسان، مردم	مور، مورچه	زینت‌ده، زینت‌دهنده، کسی که آرایش و پیرایش کند.
ماورا*، پشت سر، آن سوی، در پی، آنچه در پشت چیزی باشد.	بخت، اقبال، بهره، قسمت	عنوان، سرآغاز کتاب
جلال، بزرگی و عظمت، شکوه	خلیل، دوست خالص، لقب حضرت ابراهیم(ع)	به نام خدایی که جان آفرید
بصر*، بینایی، بینش، چشم	نیل، روخانه‌ای بزرگ در کشور مصر	اندر*، در
منتها (منتهی)*، به پایان رساننده، آخر	لطف، نرمی، مهربانی، کرم	دستگیر*، یاریگر، مددکار
جمال*، زیبایی، نیکویی	متفق*، هم‌فکر، هم‌رأی، هم‌داستان	کریم، بخشنده

تأمل کردن*، اندیشیدن، درنگ کردن	عاج، دندان فیل، دو دندان پیش و بالایی	گلیم، نوعی فرش که از پشم می‌بافند.
صفا*، پاکی، پاک‌دلی، پاکیزگی، خلوص	فیل‌ها که بسیار گرانبهاست.	بوریا*، حصیری که از نی می‌بافند.
به تدریج، کم کم	بلور، نوعی شیشه، کریستال درشت،	حکایت «به خدا چه بگویم»
مُحال*، ناشدنی، غیرممکن	نوعی جواهر معدنی	غلام، نوکر، خدمتکار
مصطفی، برگزیده (منظور پیامبر اسلام است.)	طنین*، آهنگ، انعکاس صدا	ارباب، ج رب، مالک، صاحب
پیش از این‌ها	نعره، فریاد، بانگ بلند	چرا، چریدن، علف خوردن حیوانات
خشت*، آجر، آجر خام	توفنده*، پرخروش، خروشان، غوغا کننده	انبوه، بسیار، فراوان
الماس، از سنگ‌های گرانبها و کمیاب که دارای سختی و درخشندگی خاصی می‌باشد.	نیت، قصد، آهنگ	از آن من، مال من، متعلق به من
	دلگیر، ناراحت، غمگین	خداوند، صاحب، آفریدگار
	بی‌ریا*، بدون دورویی، بدون تظاهر و خودنمایی (ریا: دورویی، نفاق)	

دانش‌آموزان عزیز: برای یادگیری آرایه‌های ادبی، اصطلاحات و قالب‌های شعری به ضمیمه (۱) و (۲) مراجعه نمایید.

## معنی و مفهوم درس

### ستایش

#### ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها / وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها

ای خدایی که نام زیبای تو، همیشه در آغاز دیوان اشعار شاعران قرار دارد و ای خدایی که دیدن نور تو زینت‌بخش (زیباکننده) سرآغاز کتاب‌هاست.

دانش‌های ادبی: دیوان‌ها و عنوان‌ها: قافیه / بیت از ۴ جمله تشکیل شده است:

ای (خدایی که) نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها (است) و ای (خدایی که)، طلعت روی تو، زینت‌ده عنوان‌ها (است)

#### به نام خدایی که جان آفرید

#### به نام خدایی که جان آفرید / سخن گفتن اندر زبان آفرید

سخنم را با نام خدایی آغاز می‌کنم که به انسان جان بخشید و سخن گفتن با زبان را به او یاد داد. دانش‌های ادبی: جان و زبان: قافیه / آفرید: ردیف / اندر: در (حرف اضافه) / بیت از سه جمله تشکیل شده است. / تلمیح به آیه ۳ و ۴ سوره الرحمن: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»

#### خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابش پوزش پذیر

خداوندی که بخشنده و یاریگر انسان است. خداوندی که خطاهای انسان را می‌بخشد و پوزش‌پذیر (توبه‌پذیر) است. دانش‌های ادبی: دستگیر و پوزش‌پذیر: قافیه / واج آرای: صامت ش و مصوت ـ / در این بیت، پنج صفت برای خداوند ذکر شده است: بخشنده، دستگیر، کریم، خطابش و پوزش‌پذیر

#### پرستار امرش همه چیز و کس / بنی آدم و مرغ و مور و مگس

همه موجودات از انسان تا پرنده و مورچه و مگس، مطیع و فرمانبردار او هستند. دانش‌های ادبی: کس و مگس: قافیه / مرغ، مور و مگس: مراعات نظیر / بنی آدم، مرغ، مور و مگس: همه موجودات / همه چیز و کس پرستار امرش (هستند)

نهاد استاری      مسند      فعل

#### یکی را به سر برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت

خداوند گاهی بر سر کسی تاج خوش‌بختی می‌گذارد (او را سعادت‌مند می‌گرداند) و گاهی کسی دیگر را از تخت قدرت (مقام بالا) به خاک می‌رساند. (پایین می‌کشد و او را به ذلت می‌کشد).

دانش‌های ادبی: بخت و تخت: قافیه / تاج بر سر کسی نهادن: کنایه از به بزرگی رساندن و خوش‌بخت کردن / از تخت به خاک آوردن: کنایه از خوار و پست کردن / بخت و تخت: جناس ناقص / بیت تلمیح دارد به آیه ۲۶ سوره آل عمران: تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ: تو هر که را بخواهی عزت و سلطنت می‌بخشی و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. / سر، تاج، تخت: مراعات نظیر

گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل

خداوند آتش نمرود را برای حضرت ابراهیم (ع) تبدیل به گلستان می‌کند و گروهی را (فرعون و یارانش) در رود نیل غرق می‌کند و به جهنم می‌برد.

دانش‌های ادبی: خلیل و نیل: قافیه / تلمیح دارد به آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع) و غرق کردن فرعونیان / آب و آتش: تضاد / گلستان، آتش، خلیل: مراعات نظیر / در مصراع دوم «بر آتش بردن» کنایه از عذاب دادن / آتش: منظور جهنم

به درگاه لطف و بزرگیش بر بزرگان نهاده بزرگی ز سر

بزرگان و قدرتمندان دنیا در برابر کرم و بزرگی خداوند، بزرگی و عظمتشان را فراموش می‌کنند و فروتنی و تواضع اختیار می‌کنند.

دانش‌های ادبی: بر و سر: قافیه / بر، سر: جناس ناقص / بزرگی: تکرار / بزرگی را از سر نهادن: کنایه از اعلام بندگی کردن

جهان، متفق بر الهیتش فرومانده از کُنه ماهیتش

همه موجودات به مقام خداوندی خدا معترف هستند (در اقرار به خدایی خداوند، هم‌فکر و هم‌نظر هستند) اما از شناخت ذات و حقیقت خداوند، ناتوان هستند.

دانش‌های ادبی: الهیتش و ماهیتش: قافیه / جهان: مردم جهان، موجودات جهان / فروماندن: کنایه از ناتوانی / جهان بر الهیتش متفق هستند.   
 نهار مسئله فعل

بشر ماورای جلالش نیافت بصر منتهای جلالش نیافت

انسان نتوانست شکوه و عظمتی بالاتر از شکوه خداوند بیابد و چشم بشر نتوانست همه زیبایی‌های خداوند را ببیند و درک کند.

دانش‌های ادبی: جلالش و جمالش: قافیه / نیافت: ردیف / بشر و بصر: جناس ناقص / جلال و جمال: جناس ناقص / ماورای جلالش و منتهای جمالش: مفعول

تأمل در آینه دل کنی صفایی به تدریج حاصل کنی

برای شناخت خداوند باید به دل هم‌چون آیینه‌ها مراجعه کنی تا کم کم به پاکی و صفا دست پیدا کنی. (به تدریج دلت پاک و روشن می‌شود.)

دانش‌های ادبی: دل و حاصل: قافیه / کنی: ردیف / آینه دل: تشبیه (اضافه تشبیهی)

مُحال است سعدی که راه صفا توان رفت جز بر پی مصطفی

ای سعدی پاک شدن از آلودگی‌ها، بدون پیروی از راه پیامبر اسلام (ص) ناشدنی و غیرممکن است. (فقط با پیروی از راه پیامبر (ص) میسر است.)

دانش‌های ادبی: صفا و مصطفی: قافیه / سعدی: منادا و تخلص شاعر

(قالب شعر: مثنوی)

زیبایی آفرینش

چشم دل باز کن که جان بینی آنچه نادیدنی است، آن بینی

از راه دل و شعور و آگاهی، حقیقت هستی را ببین؛ تا هر چیزی را که با چشم سر نمی‌توانی ببینی، درک کنی.

دانش‌های ادبی: جان و آن: قافیه / بینی: ردیف / چشم دل: تشخیص (زیرا برای دل، چشم قائل شده‌ایم.) / واج آرایی: تکرار صامت «ن» / چشم، دل، جان: مراعات نظیر / جان و آن: جناس

پیش از این‌ها

پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا خانه‌ای دارد میان ابرها

قبلاً فکر می‌کردم که خدا در میان ابرها خانه دارد.

دانش‌های ادبی: خدا و ابرها: قافیه / خدا: نهاد / خانه‌ای: مفعول

مثل قصر پادشاه قصه‌ها خشتی از الماس و خشتی از طلا

که آجرهای خانه‌اش مانند قصر پادشاه قصه‌ها، از الماس و طلاست.

دانش‌های ادبی: قصه‌ها و طلا: قافیه / مثل قصر پادشاه قصه‌ها: تشبیه / الماس و طلا: مراعات نظیر

پایه‌های برجش از عاج و بلور      بر سر تختی نشسته با غرور

پایه‌های برجش از عاج فیل و بلور ساخته شده و خودش با غرور روی تخت شاهانه‌اش نشسته است.

دانش‌های ادبی: بلور و غرور: قافیه / از عاج و بلور بودن: کنایه از باارزش بودن / عاج و بلور: مراعات نظیر

ماه، برق کوچکی از تاج او      هر ستاره، پولکی از تاج او

[فکر می‌کردم] ماه، انعکاس نور کوچکی از تاج خداست و ستاره‌ها در واقع پولک‌های تاجش هستند.

دانش‌های ادبی: کوچکی و پولکی: قافیه / از تاج او: ردیف / ماه و ستاره: مراعات نظیر / فعل «است» از پایان هر دو مصراع حذف شده است.

رعد و برق شب، طنین خنده‌اش      سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

[فکر می‌کردم] رعد و برق شب صدای خنده خداست و سیل و طوفان، فریاد پرخروش اوست.

دانش‌های ادبی: خنده‌اش و توفنده‌اش: قافیه / طنین و نعره: مراعات نظیر

هیچ کس از جای او آگاه نیست      هیچ کس را در حضورش، راه نیست

هیچ کس نمی‌داند که او کجا زندگی می‌کند و هیچ کس هم اجازه دیدنش را ندارد.

دانش‌های ادبی: آگاه و راه: قافیه / نیست: ردیف / هیچ کس: تکرار / راه: جناس / آگاه: مسند

آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین      خانه‌اش در آسمان، دور از زمین

آن خدایی که من تصور می‌کردم، بی‌رحم و خشمگین بود و خانه‌اش در آسمان و دور از زمین بود.

دانش‌های ادبی: خشمگین و زمین: قافیه / آسمان و زمین: تضاد

بود، اما در میان ما نبود      مهربان و ساده و زیبا نبود

[آن خدایی که من تصور می‌کردم] وجود داشت اما از ما دور بود. او مهربان و ساده و صمیمی و زیبا نبود.

دانش‌های ادبی: ما و زیبا: قافیه / نبود: ردیف / مهربان، ساده و زیبا: مسند

در دل او دوستی جایی نداشت      مهربانی هیچ معنایی نداشت

در وجود او [آن خدایی که من تصور می‌کردم] دوستی و محبت جا نداشت و مهربانی برای او هیچ معنی نداشت.

دانش‌های ادبی: جایی و معنایی: قافیه / نداشت: ردیف / جایی و هیچ معنایی: مفعول

هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا      از زمین از آسمان از ابرها

هر چه از دیگران درباره خودم، خدا، زمین، آسمان و ابرها می‌پرسیدم...

دانش‌های ادبی: خدا و ابرها: قافیه / این بیت با بیت بعد، موقوف‌المعانی است. / واج آرایبی: تکرار صامت «ز» / زمین و آسمان: تضاد

زود می‌گفتند: «این کار خداست      پرس و جو از کار او کاری خطاست»

زود به من می‌گفتند: «این کار خداوند است و پرسیدن درباره کار خدا، اشتباه است.»

دانش‌های ادبی: خدا و خطا: قافیه / است: ردیف / کار: تکرار / واج آرایبی: صامت «ک» و «ر»

نیت من در نماز و در دعا      ترس بود و وحشت از خشم خدا

قصد من از نماز خواندن و دعا کردن فقط به خاطر ترس و وحشت از خشم خدا بود.

دانش‌های ادبی: دعا و خدا: قافیه / نماز و دعا: مراعات نظیر / ترس و وحشت: مراعات نظیر

پیش از این‌ها خاطرم دلگیر بود      از خدا در ذهنم این تصویر بود

قبلاً ناراحت و غمگین بودم و فکر می‌کردم خدا مانند تصور اتم است.

دانش‌های ادبی: دلگیر و تصویر: قافیه / بود: ردیف

تا که یک شب، دست در دست پدر      راه افتادم به قصد یک سفر

تا این‌که شبی به همراه پدرم به قصد یک سفر، حرکت کردیم.

دانش‌های ادبی: پدر و سفر: قافیه / دست: تکرار / دست در دست: کنایه از همراه بودن

در میان راه، در یک روستا      خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

در یک روستا و در میانه راه، خانه‌ای خوب و آشنا دیدیم.

دانش‌های ادبی: روستا و آشنا: قافیه / خانه‌ای: مفعول

**زود پرسیدم پدر، این‌جا کجاست؟** گفت: این‌جا خانه خوب خداست

فوراً از پدرم پرسیدم این‌جا کجاست؟ گفت: این‌جا خانه دوست‌داشتنی خدا (مسجد) است.

**دانش‌های ادبی** «کجا و خدا: قافیه / است: ردیف / پدر، این‌جا کجاست: مفعول برای پرسیدم.

**گفت: «این‌جا می‌شود یک لحظه ماند گوشه‌ای خلوت، نمازی ساده خواند**

پدر گفت: در این‌جا می‌توان مدّت کوتاهی ماند و در گوشه‌ای نمازی بی‌ریا خواند.

**دانش‌های ادبی** «ماند و خواند: قافیه

**با وضویی دست و رویی تازه کرد** **با دل خود گفت و گویی تازه کرد**

می‌توان با وضو گرفتن دست و روی خود را تازه و شاداب کرد و از صمیم قلب با خدا گفت‌وگو کرد.

**دانش‌های ادبی** «دست و رویی و گفت‌وگویی: قافیه / تازه کرد: ردیف / دست، رو، وضو: مراعات نظیر / دست، رو، دل: مراعات نظیر

**گفتمش: پس آن خدای خشمگین** **خانه‌اش این‌جا در زمین؟**

به پدر گفتم: پس خانه آن خدای خشمگین، این‌جا بر روی زمین است؟

**دانش‌های ادبی** «خشمگین و زمین: قافیه / اینجا: تکرار

**گفت: «آری خانه او بی‌ریاست** **فرش‌هایش از گلیم و بوریاست**

پدر گفت: «بله، خانه خدا ساده و بی‌ریاست، فرش‌های خانه‌اش از گلیم و حصیر ساده است.»

**دانش‌های ادبی** «بی‌ریا و بوری: قافیه / است: ردیف / فرش، گلیم، بوری: مراعات نظیر

**مهربان و ساده و بی‌کینه است** **مثل نوری در دل آینه است**

خداوند مهربان و ساده و بدون کینه است. (با کسی دشمنی ندارد) و مانند نوری در دل انسان‌های خوب قرار دارد.

**دانش‌های ادبی** «بی‌کینه و آینه: قافیه / است: ردیف / مثل نوری است: تشبیه / دل آینه: تشبیه (دل هم‌چون آینه) / مهربان، ساده، بی‌کینه:

مُسند

**عادت او نیست خشم و دشمنی** **نام او نور و نشانش روشنی**

خشمگین شدن و دشمنی کردن از عادت‌های خدا نیست. نام او نور است و نشانه‌اش روشنی است. (روشنایی نشان وجود خداست.)

**دانش‌های ادبی** «دشمنی و روشنی: قافیه / تلمیح دارد به آیه «الله نور السماوات و الارض» / نام او نور [است] و نشانش روشنی [است]: فعل

«است» از هر دو جمله حذف شده است.

**تازه فهمیدم، خدایم این خداست** **این خدای مهربان و آشناست**

تازه فهمیدم که خدایم، این خدای مهربان و آشنا است.

**دانش‌های ادبی** «خدا و آشنا: قافیه / است: ردیف

**دوستی از من به من نزدیک‌تر** **از رگ گردن به من نزدیک‌تر**

خداوند، دوستی است که به من بسیار نزدیک است حتی از رگ گردن هم به من نزدیک‌تر است.

**دانش‌های ادبی** «من و گردن: قافیه / به من نزدیک‌تر: ردیف / مصراع دوم تلمیح دارد به آخر آیه ۱۶ سوره «ق»: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»

**می‌توانم بعد از این، با این خدا** **دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا**

من می‌توانم از این به بعد، با این خدا، به دور از دورویی، دوست باشم.

**دانش‌های ادبی** «خدا و بی‌ریا: قافیه / دوست: تکرار

(قالب شعر: مثنوی)

### حکایت به خدا چه بگویم

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.» غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟!»

به صاحب این گوسفندان بگو، گرگ گوسفند را خورد. خدمتکار گفت: به خدا چه بگویم؟ (به صاحب گوسفندان می‌توان دروغ گفت ولی

به خدا نمی‌توان دروغ گفت.)

## دانش‌های زبانی و ادبی

**نکته ۱** هر گاه بخواهیم مقصود خود را دقیق و آشکار بیان کنیم از زبان استفاده می‌کنیم و وقتی بخواهیم همان مقصود را زیباتر و تأثیرگذارتر بیان کنیم از ادبیات بهره می‌گیریم.

**مثال:** خورشید طلوع کرد. (زبان) خورشید بر چهره شهر لبخند می‌زند. (ادبیات)

**نکته ۲** واژه‌ها و جمله‌های زبان، مانند ظرف‌هایی هستند که فکر ما را در خود جای می‌دهند. ما باید هنگام خواندن هر اثر و شنیدن گفتار هر سخن، با درنگ و تأمل، نحوه گزینش واژه‌ها و زمینه فکری آن را جست‌وجو کنیم، پس برای درک بهتر هر اثر باید به «ساختار» و «محتوا»ی آن توجه کرد.

**نکته ۳** برای بررسی ساختار (شکل بیرونی) هر اثر از پرسش‌های زیر استفاده می‌شود:

(آ) متن اثر، به «نثر» است یا «نظم»؟

**مثال:** نثر (نوشته و جمله): «از این همه گوسفندانت، یکی را به من بده.»

**مثال:** نظم (شعر): «به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید»

(ب) شیوه بیان نوشته، «زبانی» است یا «ادبی»؟

**مثال زبانی:** «فعل کلمه‌ای است که درباره انجام عمل، رویداد یا ایجاد حالت، اطلاعاتی می‌دهد.»

**مثال ادبی:** «تو از آن آزاداندیشانی هستی که پایدار و نستوه، استوار چون کوه می‌کوشند.»

(پ) واژه‌های متن «ساده و قابل فهم» هستند یا «دشوار و دیریاب»؟

**مثال:** ساده و قابل فهم

در میان راه، در یک روستا خانه‌ای دیدیم، خوب و آشنا

**مثال:** دشوار و دیریاب

چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم (عیوق: ستاره‌ای روشن و سرخ رنگ)

**نکته ۴** در زبان فارسی، بعضی حروف مانند «ذ، ز، ض، ظ» تلفظ یکسان دارند اما شکل نوشتاری آن‌ها متفاوت است؛ با دقت در معنا، به املاي این گونه کلمات توجه کنید.

### واژگان مهم املایی درس

طلعت - زینت‌ده - عنوان - اندر - خطابخش - پوزش‌پذیر - بنی‌آدم - لطف - متفق - الهیتش - کنه - ماهیتش - ماورای جلالش - بصر - منتهای جمالش - تأمل - آینه دل - صفایی - به تدریج - حاصل - محال - مصطفی هاتف اصفهانی - قصر - قصه‌ها - الماس - بُرجش - عاج و بلور - غرور - رعد و برق - طنین - سیل و طوفان - نعره توفنده - حضور - پرس‌وجو - قصد - وضویی - بی‌کینه - قیصر امین‌پور

## سوالات امتحانی

### واژگان

معنی کلمات مشخص شده را بنویسید.

- |   |                                 |   |                             |
|---|---------------------------------|---|-----------------------------|
| ۱ | وی طلعت روی تو زینت ده عنوان‌ها | ۲ | خداوند بخشنده دستگیر        |
| ۳ | پرستار امرش همه چیز و کس        | ۴ | جهان متفق بر الهیتش         |
| ۵ | فرمانده از کنه ماهیتش           | ۶ | بشر ماورای جلالش نیافت      |
| ۷ | بصر، منتهای جمالش نیافت         | ۸ | سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش |
| ۹ | فرش‌هایش از گلیم و بوریاست      |   |                             |

## معنی اشعار و عبارات

معنی بیت یا عبارت‌ها را بنویسید.

- ۱۰ ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها / وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها
- ۱۱ عادت او نیست خشم و دشمنی / نام او نور و نشانش روشنی
- ۱۲ مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ برود.» غلام گفت: «به خدای چه بگویم؟»
- ۱۳ گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل
- ۱۴ جهان، متفق بر الهیتش / فرومانده از گنجه ماهیتش
- ۱۵ بشر ماورای جلالش نیافت / بصر، منتهای جمالش نیافت
- ۱۶ رعد و برق شب، طنین خنده‌اش / سیل و طوفان، نعره توفنده‌اش

## خودارزیابی، گفت و گو، فعالیت‌های نوشتاری

- ۱۷ شاعر در مصراع «این‌جا خانه خوب خداست.» به چه نکته‌ای اشاره دارد؟
- ۱۸ درک و دریافت خود را از مصراع «نام او نور و نشانش روشنی» بیان کنید.
- ۱۹ چه راه‌هایی برای شناخت خداوند هستی وجود دارد؟
- ۲۰ کدام بیت با آیه زیر ارتباط معنایی دارد؟  
«ما از رگ گردن به شما نزدیک‌تریم.» (سوره «ق»، آیه ۱۶)
- ۲۱ از متن «ستایش» و «درس اول» واژه‌هایی بیابید که در آن‌ها یکی از حروف «ذ، ز، ض، ظ» به کار رفته باشد.
- ۲۲ جدول زیر را کامل کنید.

فعل	بن مضارع	مصدر	زمان
رفت			
دارد			

- ۲۳ ردیف و قافیه‌های ابیات زیر را مشخص کنید.  
 (آ) بود اما در میان ما نبود / مهربان و ساده و زیبا نبود  
 (ب) با وضویی دست و رویی تازه کرد / با دل خود گفت و گویی تازه کرد
- ۲۴ سعدی در بیت زیر، به کدام داستان‌های مذهبی اشاره دارد؟  
 گلستان کند آتشی بر خلیل / گروهی بر آتش برد ز آب نیل

## درک مطلب

- ۲۵ در بیت زیر، بر چند صفت و ویژگی خداوند، تأکید شده است؟  
 «خداوند بخشنده دستگیر / کریم خطابش پوش پذیر»
- ۲۶ کدام بیت با شعر «و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند» ارتباط معنایی دارد؟  
 (آ) تازه فهمیدم خدایم این خداست / این خدای مهربان و آشناست  
 (ب) دوستی از من به من نزدیک‌تر / از رگ گردن به من نزدیک‌تر

۲۷

منظور از واژه‌های خط کشیده، چه کسانی هستند؟

مرد گفت: «خداوندش را بگوی که گرگ ببرد.» غلام گفت: «به خدای چه بگوییم؟»

۲۸

در کدام گزینه مفهوم دو بیت متضاد نیست؟

آ) بود اما در میان ما نبود  
می توانم بعد از این با این خدا  
ب) ماه برق کوچکی از تاج او  
گفت آری خانه او بی ریاست  
مهربان و ساده و زیبا نبود  
دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا  
هر ستاره پولکی از تاج او  
فرش‌هایش از گلیم و بوریاست

۲۹

بیت «سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی / عشق محمد بس است و آل محمد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

آ) تأمل در آینه دل کنی  
ب) محال است سعدی که راه صفا  
صفایی به تدریج حاصل کنی  
توان رفت جز بر پی مصطفی

### دانش‌های زبانی و ادبی

۳۰

در کدام بیت آرایه تلمیح به کار رفته است؟

آ) دوستی از من به من نزدیک‌تر  
ب) می‌توانم بعد از این با این خدا  
از رگ گردن به من نزدیک‌تر  
دوست باشم، دوست، پاک و بی‌ریا

۳۱

قافیه و ردیف بیت زیر را مشخص کنید.

«دوستی از من به من نزدیک‌تر  
از رگ گردن به من نزدیک‌تر»

۳۲

با توجه به واژه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، در هر بیت چه آرایه‌ای به کار رفته است؟

آ) ماه برق کوچکی از تاج او  
ب) بشر ماورای جلالش نیافت  
هر ستاره پولکی از تاج او  
بصر منتهای جمالش نیافت

۳۳

برای واژگان زیر سه هم‌خانواده بنویسید.

آ) طلعت: (ب) متفق: (پ) بصر: (ت) حضور:

۳۴

نام نویسنده آثار زیر را بنویسید.

آ) تاریخ اردلان: (ب) بوستان: (پ) مثل چشمه، مثل رود: (ت) به قول پرستو:

۳۵

«من کیستم»؟

«از شاعران دوره افشاریه و زندیه هستیم. در سرودن غزل از سعدی و حافظ پیروی می‌کنیم. ترجیع‌بند عرفانی معروفی داریم.»

۳۶

درستی یا نادرستی هر عبارت را مشخص کنید.

آ) واژه‌ها و جمله‌های زبان، مانند ظرف‌هایی هستند که فکر ما را در خود جای می‌دهند. ( )  
ب) هر گاه بخواهیم مقصود خود را دقیق بیان کنیم، از ادبیات استفاده می‌کنیم. ( )  
پ) برای درک بهتر هر اثر، باید به ساختار و محتوای آن توجه کرد. ( )  
ت) واژه‌های بیت «تازه فهمیدم، خدایم این خداست / این خدای مهربان و آشناست» قابل فهم هستند. ( )  
ث) برای صدای / ز / چهار شکل نوشتاری وجود دارد. ( )

۳۷

کدام گزینه دشوار و دیریاب است؟

آ) جهان متفق بر الهیتش  
ب) پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا  
فرمانده از گنجه ماهیتش  
خانه‌ای دارد میان ابرها

۳۸

بیت «ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها / وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها» از چند جمله تشکیل شده است؟

۳۹

در بین کلمات زیر، چهار غلط املایی وجود دارد، آن‌ها را بیابید و شکل صحیح هر یک را بنویسید.

طلعت - زینت ده - خطابش - کنه ماحیت - منتهای جمال - مهال - غصه و داستان - آج و بلور - رعد و برق - نعره توفنده - وضویی - به تدریج



## سوالات چهار گزینه‌ای درس

۴۰ در کدام گزینه، غلط املایی وجود دارد؟

- (۱) خداوند بخشنده دستگیر  
 (۲) جهان متفق بر الهیتش  
 (۳) تعمّل در آیینۀ دل کنی  
 (۴) ای نام نکوی تو، سردفتر دیوان‌ها

کریم خطابخش پوش پذیر  
 فرومانده از کنه ماهیتش  
 صفایی به تدریج حاصل کنی  
 وی طلعت روی تو، زینت ده عنوان‌ها

۴۱ آرایهٔ مقابل کدام بیت نادرست است؟

- (۱) بشر ماورای جلالش نیافت  
 (۲) جهان، متفق بر الهیتش  
 (۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت  
 (۴) پایه‌های برجش از عاج و بلور

بصر منتهای جمالش نیافت (جناس)  
 فرومانده از کنه ماهیتش (کنایه)  
 یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (تلمیح)  
 بر سر تختی نشسته با غرور (تشبیه)

۴۲ کدام بیت با آیهٔ «تُعَزَّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلَّ مَنْ تَشَاءُ» ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) به درگاه لطف و بزرگیش بر  
 (۲) یکی را به سر، بر نهد تاج بخت  
 (۳) جهان متفق بر الهیتش  
 (۴) بشر، ماورای جلالش نیافت

بزرگان نهاده بزرگی ز سر  
 یکی را به خاک اندر آرد ز تخت  
 فرومانده از کنه ماهیتش  
 بصر، منتهای جمالش نیافت

۴۳ بن مضارع افعال زیر به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«سپرد - خوابیدم - گفته است - فرستادند»

- (۱) سپر، خواب، گو، فرست  
 (۳) سپرد، خواب، بگوی، بفرست

- (۲) بسپر، بخواب، بگو، بفرست  
 (۴) سپرد، خوابید، گفت، فرستاد

۴۴ کدام یک از ترکیب‌های زیر وصفی است؟

- (۱) رگ گردن  
 (۲) پایهٔ تخت

- (۳) گوشهٔ خلوت  
 (۴) پادشاه قصه‌ها

۴۵ کدام گزینه با «پرستار» هم‌خانواده است؟

- (۱) بت پرست  
 (۲) پرشش

- (۳) پرستو  
 (۴) باز پرس

۴۶ در کدام بیت فعل وجود ندارد؟

- (۱) آن خدا بی‌رحم بود و خشمگین  
 (۲) رعد و برق شب، طنین خنده‌اش  
 (۳) عادت او نیست، خشم و دشمنی  
 (۴) هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا

خانه‌اش در آسمان، دور از زمین  
 سیل و طوفان، نعرهٔ توفنده‌اش  
 نام او نور و نشانش روشنی  
 از زمین از آسمان از ابرها

۴۷ در کدام گزینه مفعول وجود ندارد؟

- (۱) پیش از این‌ها فکر می‌کردم خدا  
 (۲) هر چه می‌پرسیدم از خود از خدا  
 (۳) گفت: «آری خانهٔ او بی‌ریاست  
 (۴) عادت او نیست خشم و دشمنی

خانه‌ای دارد میان ابرها  
 از زمین از آسمان از ابرها  
 فرش‌هایش از گلیم و بوریاست  
 نام او نور و نشانش روشنی

۴۸ معنی چند واژه درست است؟

(طلعت: درخشندگی)، (بنی آدم: انسان)، (الهیت: خدایی)، (محال: شدنی)، (توفنده: خروشان)، (بصر: بینش)

- (۱) پنج  
 (۲) شش  
 (۳) چهار  
 (۴) سه

## ✓ پاسخ سوالات امتحان

- ۳۰ (آ) تلمیح به آخر آیه سوره «ق»: «نحن اقرب الیه من حبل الوریث»
- ۳۱ قافیه: من، گردن / ردیف: به من نزدیک تر
- ۳۲ (آ) مراعات نظیر (ب) جناس
- ۳۳ (آ) طلوع، طالع، مطلع، اطلاع  
(ب) اتفاق، توفیق، توافق، موافق  
(پ) بصیرت، ابصار، مبصر، باصره  
(ت) حاضر، محضر، حضار، حضر
- ۳۴ (آ) مستوره کردستانی (ب) سعدی  
(پ) قیصر امین پور (ت) قیصر امین پور
- ۳۵ هاتف اصفهانی
- ۳۶ (آ) درست (ب) نادرست (پ) درست  
(ت) درست (ث) درست
- ۳۷ (آ) واژگان و مفهوم بیت به راحتی فهمیده نمی شود.
- ۳۸ ۴ جمله:  
ای (خدایی که) نام نکوی تو، سردفتر دیوانها (است)  
۱ ۲  
و ای (خدایی که) طلعت روی تو، زینت ده عنوانها (است)  
۳ ۴
- ۳۹ ماهیت - محال - قصه - عاج
- ۴۰ گزینه (۳) - تأمل
- ۴۱ گزینه (۴) - در گزینه (۱): بصر و بشر، جلالش و جمالش جناس هستند.  
در گزینه (۲): فروماند کنایه است. در گزینه (۳)، تلمیح به «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ»
- ۴۲ گزینه (۲)
- ۴۳ گزینه (۱)
- ۴۴ گزینه (۳) - بقیه گزینهها ترکیب اضافی هستند.
- ۴۵ گزینه (۱) - پرستار و بت پرست، بن مضارع یکسان دارند. (پرست)
- ۴۶ گزینه (۲) - در گزینه (۱): بود، در گزینه (۳): نیست و در گزینه (۴): می پرسیدم، فعل هستند.
- ۴۷ گزینه (۴) - در گزینه (۱): خانه ای، در گزینه (۲): هرچه، در گزینه (۳): هر چه بعد از فعل «گفت» آمده است یعنی: آری خانه ... مفعول هستند.
- ۴۸ گزینه (۱) - محال: ناشدنی

- ۹ تا ۱ به قسمت معنی واژگان درس مراجعه کنید.
- ۱۶ تا ۱۰ به قسمت معنی اشعار و عبارات درس مراجعه کنید.
- ۱۷ در این جا منظور از «خانه خوب خداست» مسجد است.
- ۱۸ نور نام خداست و روشنی نشان اوست. منظور این است که وجود خداوند سراسر نور است و از تاریکی در وجود او هیچ خبری نیست. (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)
- ۱۹ شناختن از طریق موجودات؛ بهترین راه شناخت خداوند، شناختن از طریق موجودات است. زیبایی، مهربانی، خشم و ... موجودات نشانه زیبایی، پیچیدگی، مهربانی، خشم و ... خداوند است زیرا هر موجودی در اصل نمود و نمایشگری از وجود خداوند است.
- ۲۰ دوستی از من به من نزدیک تر / از رگ گردن به من نزدیک تر
- ۲۱ پوزش پذیر - همه چیز - حضور - ذهن - لحظه - وضو
- ۲۲

فعل	بن مضارع	مصدر	زمان
رفت	رو	رفتن	گذشته (ماضی)
دارد	دار	داشتن	حال (مضارع)

- ۲۳ (آ) قافیه: ما، زیبا / ردیف: نبود  
(ب) قافیه: دست و رویی، گفت و گویی / ردیف: تازه کرد
- ۲۴ مصراع اول اشاره به داستان حضرت ابراهیم (ع) که نمرود (پادشاه ستمگر زمان حضرت ابراهیم (ع)) وی را در آتش انداخت تا به او بفهماند خدایی که از آن سخن می گوید وجود ندارد، اما آتش به فرمان خدا تبدیل به گلستان شد و ابراهیم (ع) نجات یافت.  
مصراع دوم اشاره دارد به داستان حضرت موسی (ع) که با قومش در حال گریختن از شهر بودند و فرعونیان به دنبال آنها می رفتند. موسی به فرمان خدا توانست رود نیل را بشکافت و با قومش از آن عبور کند، اما فرعونیان در آب رود غرق شدند.
- ۲۵ ۵ صفت: بخشنده، دستگیر، کریم، خطابخش و پوزش پذیر
- ۲۶ (ب) در صورت شعر و گزینه مورد نظر نزدیکی به خداوند محسوس است.
- ۲۷ خداوند: صاحب گوسفندان / خدای: خدای متعال، پروردگار
- ۲۸ (ب) در بیت اول تظاهر و تجمل و در بیت دوم بی ریایی و سادگی دیده می شود.
- ۲۹ (ب) در صورت سؤال و گزینه «ب» عشق و پیروی از حضرت محمد (ص) دیده می شود.